

نقدی بر مجموعه شعر تازه منتشر شده حمید رضا برقی

حماسه‌های عاشقانه‌ها

رضا یزدانی
شاعر

۴ ماه رمضان سال ۸۶ بود که ناگهان کلیپ شعرخوانی شاعری در محضر رهبر انقلاب سر و صدا به پا کرد. نقل محافل ادبی و مذهبی شده بود آفرین واحسنت گفتن‌های رهبر شعرشناس انقلاب به بیت بیت شاعر جوان لاغر اندام و عینکی که برای اولین بار در مهم‌ترین محفل ادبی کشور شعرخوانی می‌کرد: «باز این چه شورش است که در جان واژه‌هاست، شاعر شکست خورده توفان واژه‌هاست.»

شاید آن روز هیچ‌کس حتی خود سیدحمیدرضا برقی باور نمی‌کرد که این شعرو شعرهای بعدی او می‌تواند جریان شعر آیینی را به قبل و بعد از خود تقسیم کند. چندماه بعد از آن دیدار که کتاب «توفان واژه‌ها» منتشر شد، فضای ادبی کشور و به خصوص هیئات و حلقه‌های شعر آیینی شاهد حضور شاعری قمی شد که قرار بود بار شعر آیینی و ولایی را چندین دهه جلو ببرد و باعث ظهور و رشد شاعرانی شود که مستقیم و غیرمستقیم، خواسته و ناخواسته تحت تاثیر برقی خواهند بود.

برقی سال ۸۶ که با صدای لرزان و آهسته در محضر رهبر انقلاب شعرخوانی می‌کرد، رفته رفته به یکی از شاعرانی تبدیل شد که علاوه بر اشعار منحصر به فرد، شعرخوانی‌های چشم‌خیره‌کنی از خود ارائه داد. دیگر فقط شعرهای او نبود که توجه مردم به عنوان مخاطبان عام و شاعران به عنوان مخاطبان خاص او را به خود جلب می‌کرد، بلکه نحوه خوانش شعرهایش نیز بر محسّنات او افزود و خبر از ظهور استعدادی می‌داد که قرار بود تا سال‌های سال سلسله‌دار جریان شعر آیینی معاصر باشد.

برقی در طول این ۱۲ سال، حتی يك روز هم بی‌خیال شاعر بودن نشد و سر خود را با هیچ چیز دیگری جز شعر گرم نکرد. شاعری برای برقی هم هنر بود، هم تفریح و هم شغلش. برقی سال ۹۸ هم شعرهای به مراتب شاعرانه‌تری دارد و هم شعرخوانی‌های به مراتب محکم‌تر. برقی سال ۹۸ حالا صاحب پنج مجموعه شعر است که نام تازه‌ترین آن «یحیی» است.

برقی نه مثل آن دسته شاعرانی است که با لفظ بازی و فرم‌گرایی در صدد شهرت خود بودند و نه مثل آنهایی که با استفاده از مافیای دولتی کتاب‌های خود را پرفروش کردند و برای خود اسم و رسم خریدند. هنوز که هنوز است جلسات نقد او، شلوغ شاعران جوان است، ولی مثل دیگران داعیه برچسب زدن به شاعران حلقه‌های ادبی اش را ندارد. به جای تعریف‌های بی‌هوده، نقد سفت و سخت می‌کند و برایش فرقی ندارد که شاعر مبتدی از تیغ نقد برقی زخمی شود و کم بیاورد یا به جای شانه خالی کردن، زخم‌هایش را بهبود ببخشد و باز هم در جلسات او شرکت کند.

برقی از انقلابی‌ترین شاعرهای امروز است، اما هیچ وقت از او به عنوان شاعر انقلاب تجلیل نشده است. شاعر کتاب «یحیی» افتخارش این است که به کسی باج نمی‌دهد و هراسی هم ندارد اگر برای مدافعان حرم شعر بگوید.

می‌توان با اطمینان خاطر گفت اگر برقی نبود، خیلی از جوان‌ها شاعر نمی‌شدند، خیلی‌ها شاعر آیینی نمی‌شدند و خیلی‌ها عاشق شعر آیینی نمی‌شدند و بی‌گمان چیزی جز عنایت اهل بیت (ع) به شاعر کتاب یحیی را نمی‌توان دلیل توفیقات همواره سیدحمیدرضا برقی دانست. عنایتی که خود شاعر هم به آن اذعان دارد و انگار همان دستی که شعر



شعرهای عاشقانه یحیی نمی‌تواند مخاطبی را که از شعر عاشقانه دنبال التماس و سوز و گداز است به خود جلب کند. برقی اگر عاشق هم شود حال و حوصله التماس کردن به معشوق را ندارد

اما یحیی

یحیی، مجموعه شعری است به مراتب مستحکم‌تر از مجموعه شعرهای قبلی سیدحمیدرضا برقی؛ مجموعه‌ای که به راحتی می‌توان آثار مطالعه و تلاش‌های شبانه‌روز برقی را در آن دید. حتی می‌توان حدس زد برقی در طول این سال‌ها بیشتر چه کتاب‌هایی می‌خواند و از چه شاعرانی تاثیر می‌پذیرد. حتی می‌توان گفت برقی از نظر عاطفی در چه شرایطی است و در چه دنیای فکری سیر می‌کند. کتاب یحیی آینه بی‌خشی است از شاعر خود.

نماند بیرق پوسیده یزید اما، کتیبه‌های حسینیه ماندگار شدند

اصلی‌ترین نکته شعرهای برقی که مثل نخ تسبیح در تمام مجموعه شعرهایش کشیده شده، مفهوم «حماسه» است. برقی روحی حماسی دارد و این حماسه‌سرایی است که او را از دیگر شاعران آیینی ممتاز کرده است. برقی در عاطفی‌ترین بخش‌های شعر آیینی نیز روح حماسی خود را حفظ می‌کند.

این روح حماسی را در انتخاب واژگان و توجه او در چند سال اخیر به قصیده و سبک خراسانی می‌توان یافت؛ حماسه‌ای که گم شده شعر امروز فارسی است، در شعرهای برقی پیداترین مفهوم و مضمون است. این حماسه‌سرایی در کنار شعرخوانی‌های پر شور و شوق او شیرینی دوچندانی به کام مخاطب می‌بخشد.

عثمانیان به مذهب مابس که تاختند، در سبزه زار چالدران سرخ شد غبار

شاعر یحیی بیش از پیش به خواندن تاریخ مشغول است. این را می‌توان از اشاره‌های تاریخی و تلمیحات این کتاب فهمید. همین نکته‌ها و توجهات است که شاعر جریان ساز را از شاعر مقلد جدا می‌سازد. برقی فهمیده است برای تاثیرگذاری در شعر آیینی جدا از خواندن تاریخ معصومان (ع) باید تاریخ اسلام و جریان‌های متعدد تشیع و حتی تاریخ ایران را هم بخواند تا شعرهایش از تله تکرار رهایی یابد و الحق که در این زمینه موفق عمل کرده است. البته توجه او به تاریخ صرفاً به تاریخ اسلام و تشیع هم خلاصه نشده است. او به تاریخ خود و زادگاهش نیز توجه ویژه‌ای دارد. در کتاب یحیی با شعرهایی مواجه ایم که در عین آیینی بودن، شخصی هستند و آینه‌ای از تاریخ زندگی خود برقی. حتی در جاهایی می‌توان شعرهای او را نوستالژیک دانست.

می‌روی، می‌رود جان به من چه؟ التماس خیابان به من چه؟

شاید خود شاعر هم نخواهد این نکته را بپذیرد، اما شعرهای عاشقانه یحیی نمی‌تواند مخاطبی را که از شعر عاشقانه دنبال التماس و سوز و گداز است به خود جلب کند. برقی اگر عاشق هم شود حال و حوصله التماس کردن به معشوق را ندارد. همان روحیه حماسی و مغرور در شعرهای عاشقانه او بروز و ظهور دارد و اگر شعر عاشقانه می‌گوید، بیشتر به مدح معشوق خود می‌پردازد و حوصله التماس ندارد. حتی اگر معشوق او را ترک کند، در نهایت برایش واسوخت می‌گوید. در نگاهی کلی سیدحمیدرضا برقی ثابت کرده کتاب‌های بعدی اش به مراتب از کتاب‌های قبلی بهتر است و این یعنی برقی هیچ وقت تسلیم حواشی شعر نشده و هنوز هم در پی یادگیری و رشد است. یحیی برقی نیز از این قانون پیروی می‌کند و به مراتب خواندنی‌تر از شعرهای گذشته اوست.

